

هو الله - ای ثابت بر پیمان از وقتی که در سبیل الهی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۰۱

هو الله

ای ثابت بر پیمان از وقتی که در سبیل الهی بکمال توجه و تضرع و خلوص آرزوی خدمت شجره مبارکه کبریا نمودید و بجهت نشر نفعات الله بان دیار رحلت فرمودید تا بحال سه مکتوب مفصل مرقوم و ارسال گردید. و این مکتوب چهارمست در مکتوب اخیر اکثر مسائل آنجنابرا جواب مرقوم نموده بودیم و اگر چنانچه فتوری واقع از کثرت مشاغل و غوائل و مصائب و بلاهاست. علی الخصوص هجوم اهل جفا. اگر بدانید که بچه درجه در تعرضند و چه قدر فساد و فتنه مینمایند البته معذور میدانید. کتاب ایقان را جناب علیقلیخان ترجمه نمود و بهمراهی ایشان ارسال گشت که در آن ارض طبع شده نشر گردد اشغال این عبد بدرجه که وصف ندارد دقیقه آرام ندارم و آنی راحت نجویم فرصت تنفس نیست و نهایت تحیر است که باین قسم جمیع امور اداره میگردد و تمشیت داده میشود هویت قلب شب و روز در نهایت تضرع و ابتهال است و طلب تأیید و توفیق بجهت احباء مینماید

ای ثابت بر پیمان آنچه مقتضای وفا در مقابل عنایات جمال کبریا بود الحمد لله مجری نمودید و ما فوق طاقت کوشیدید و راحت و آسایش و فراغت و نعمت و تجارت و خائمانرا بکلی ترك نمودید و بان اقلیم شتافتید در محافل نعره زدید و در مجالس اقامه حجت و برهان کردید. تأثیر این نفس پاک صد هزار سال باقی ماند و مشام ثابتن را معطر نماید.



ORIGINAL



AUDIO

در خصوص آنچه جفاکاران نسبت باین عبد اشتها داده‌اند که این عبد را ادعائی و یا خود دعوائی مقامی در یکی از مکاتیب مرقوم "ان العبودیة المحضة و الرقیة البحتة فی العتبة المقدسة هی تاجی الوهاج و اکلیل الجلیل هذه لمنقبتی العظمی و سدرتی المنتهی و مسجدی الاقصی و جنتی المأوی" این صریح بیان و اثر خامه و بنان این عبد است لا ابتغی شأناً غیر هذا الشأن البدیع و لا مقاماً غیر مقام التبتل و التضرع العظیم. از بدایت صعود تا الی الآن فریاد "روحی لاحبائه الفداء" از لسان و بنان این عبد در جمیع آفاق منتشر و آوازه عبودیت این مظلوم شرق و غرب را احاطه نموده و هادم بنیان باثر خامه و مهر خویش از کمال نادانی هر ادعائی نموده و موجود که میگوید.

"قد ظهر شمس الله الاکبر و کلّ شمس عنده من کلّ صغیر اصغر" با وجود این نعره بلند نموده که عبدالبهاء مصداق من ادعی قبل الالف است لهذا مورد فسوف یبعث الله علیه من لا یرحمه باید بشود باری الحمد لله نفوس مقدسه ابرار که کاشف اسرارند در نزدشان حقیقت حال آشکار این عبد تا بحال خود را غصن اعظم نامیده بلکه عبدالبهاء خوانده نهایت شاید در موردی نادر بلکه اندر ابن البهائ از قلم جاری گشته که این نیز نظر بحکمتهای بالغه بود

و الا من خود را عبد عبید او میشناسم و اطوار و گفتار و کردار این عبد شاهد این مقال باری آنچه خواسته بودید در جواب آن شخص در نفس ورقه مرقوم گردید و ارسال گشت این اذکار بهانه اشرار است و الا جمیع میدانند که این عبد را نفسی و نفسی و هوسی جز عبودیت آستان مقدس نبوده و نیست بقوه عبودیت خدمت امر الله نمودم تا بنور عبودیت آفاق روشن شد و برائحه طیبیه گلشن عبودیت مشام عالم معطر گردید اینست برهان باهر و سیف شاهر و اکلیل ساطع این عبد من شاء فلیصدق و من شاء فلینکر انی بفضل ربی ثابت علی هذا الصراط المستقیم و بتأییده غنی عن العالمین

بگوای بیچارگان عبودیت عبدالبهاء آفاق را منجذب نموده و صیت رقیبتش جهانگیر گشته و محویت و فنایش مثل آفتاب مشهور اقطار شده

"قصد آن دارند این گل پاره‌ها از حسد پوشند این فقر و فنا"

هیئات هیئات عنقریب قرین ناله و حنین گردند و در خسران مبین افتند ویل للمکذبین ثم ویل للمکذبین ثم ویل للمکذبین و عليك التحية و الثناء تلغرافاً رجوع شما را اجازت دادم ولی اگر ممکن اول بارض مقدس وارد بعد بمصر عازم شوید بهتر است ع ع

